

روایتی کمتر شنیده شده درباره روز ترور رهبر شهید در سال ۱۳۶۰
از زبان یکی از همراهان قدیمی ایشان

آقای فاطمی! التماس دعا



سویی درست کرده است و می‌خواهم ببرم. صبر کنید ظرف غذا را بردارم و با هم برویم.» منتظر ماندم. سپس همراه آقای مصطفی به بیمارستان رفتیم. چند دقیقه پس از رسیدن ما، حضرت آقا را هم از اتاق عمل بیرون آوردند. در راهرو آقا چشمشان را باز کردند و متوجه حضور من شدند. من همراه برانکار ایشان به داخل اتاقی رفتم که قرار بود آقا را در آنجا بستری کنند. پزشکان که آقا را روی تخت گذاشتند، من همان‌طور دم در ایستاده بودم. آقا اشاره کردند بیا جلو. بعد با صدای بسیار آهسته از اینکه به تهران آمده‌ام تشکر کردند و گفتند التماس دعا. بغض گلویم را گرفته بود و نمی‌توانستم حرف بزنم. سری به نشانه پذیرفتن سخن تکان دادم و آمدم بیرون و شروع کردم به گریه کردن. در همین زمان یکی از پزشکان آمد جلو و سؤال کرد: «شما قاری قرآن هستید؟» گفتم بله. دکتر ادامه داد: «با توجه به روحیاتی که از آقا سراغ داریم، آقا به قرآن خیلی علاقه‌مند هستند. حالا هم عمل سختی داشته‌اند و ما ناچار شدیم برای کاهش درد به ایشان مسکن‌های بسیار قوی تزریق کنیم. ایشان باید بخوابند. در عین حال، درد اجازه نمی‌دهد. اگر ممکن است، شما بروید کنارشان قرآن بخوانید، شاید تسکین پیدا کنند.»

اتاقی که آقا در آن بستری بودند، به یک اتاق کوچک راه داشت. اندکی بعد من درحالی که فرزندان آقا، پرستار و چند پزشک نیز کنارم بودند، شروع به تلاوت قرآن کردم. خاطرم هست که آیات انتهایی سوره مبارکه فرقان را تلاوت کردم. سه چهار آیه که خواندم، دکتر رفت بالای سر آقا و برگشت و تشکر کرد و گفت: «متشکرم، آقا خوابشان برده است.»

سید مرتضی سادات فاطمی یکی از داوران بین‌المللی قرآن کریم در شهر مشهد است. او در سال‌های جوانی با رهبر معظم انقلاب آشنا شد و سال‌ها در کنار ایشان در جلسات قرآن حاضر می‌شد. جلسه قرآن مسجد کرامت که با پیشنهاد آیت‌ا... خامنه‌ای تأسیس شد، زیر نظر او اداره می‌شد. در سال ۱۳۵۳ نیز او یکی از قاریان درس تفسیر رهبر معظم انقلاب در مسجد امام حسن مجتبی (ع) بود. او در همان زمان به سفارش رهبر معظم انقلاب ضبط صوتی برای ضبط درس تفسیر ایشان خرید و همه این درس‌ها در طبقه بالای مسجد ضبط می‌شد. این ارتباط نزدیک پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تا آخرین روز زندگانی رهبر شهید نیز ادامه پیدا کرد. استاد فاطمی در این گفت‌وگو روایت خود را از روز ترور رهبر معظم انقلاب در ششم تیر ۱۳۶۰ برای ما بیان کرده است.

آن روز طبقه بالای خانه بودم و همسرم خبر حادثه را شنیده بود و فریاد زد: «آقا مرتضی، آقای خامنه‌ای!» تا نام آقا را به زبان آورد، گفتم: «چیزی نگو!» حس کردم ممکن است چه اتفاقی افتاده باشد و متوجه حادثه ترور ایشان شدم. از شدت اضطراب همان روز بلیت گرفتم و به تهران رفتم. پس از رسیدن به تهران، به سمت منزل آقا رفتم که آن زمان در خیابان ایران بود. در رزم، آقای مصطفی، پسر بزرگ آقا، در باز کرد. حال و احوال کردیم و توضیح دادم که خبر را شنیده‌ام و چون نگران بودم، آمده‌ام تهران و می‌خواهم آقا را ببینم. آقا مصطفی گفت: «البته آنجا (بیمارستان شهید رجایی کنونی) فقط آقای هاشمی رفسنجانی را راه می‌دهند و هیچ‌کس دیگری اجازه ورود ندارد. اما چون پدرم غذای بیمارستان نمی‌خورند، مادرم

ایشان به ۵۲ سال پیش به مشهد و دیدار در مسجد کرامت در چهارراه نادری (شهدا) بازمی‌گردد. با دریای موجی از خاطرات روبه‌رو هستم که تنها می‌توان از ساحل از پس پرده اشک نگریست...

به عنوان سخن نخست این حسب حال (که بی‌حضور این جهانی‌ام، حالمان دگرگون شده است) به این نکته توجه کنید:

انسان‌هایی که از تخته‌بند تن و پیوند‌های زمانمندی و مکانمندی آزاد و رها می‌شوند، به گونه‌ای دیگر زندگی می‌کنند. چنان‌که وقتی ابوالعلاء معری به دیدار سید و سرور و نقیب شیعیان در بغداد، شریف مرتضی، رفته بود، هنگامی که از ابوالعلاء پرسیدند شریف مرتضی را چگونه دیدی، گفته بود:

«رأيتهُ و رأيت الناس في رجل / والدهر في ساعة والارض في الدار»، «او را دیدم. همه مردم را در یک شخص و روح زمانه را در ساعتی و جهان را در خانه‌ای مشاهده کردم.» سعه و جودی انسان می‌تواند به چنین گستره حیرت‌انگیزی بینجامد؛ مثل گستره بهشت! در قرآن مجید درباره گستره بهشت خداوند متعال فرموده است. قرآن، چنان‌که میناگری کاراوست، با دو تعبیر متفاوت این تشبیه را مطرح کرده است:

«وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» آل عمران: ۱۳۳

«وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» الحديد: ۲۱

و بهشتی که گستره آن آسمان‌ها و زمین است. بهشتی که گستره آن مانند گستره آسمان و زمین است.

واژه «عرض» در این آیات مفهوم مشهور عرض در برابر طول نیست، به معنای گستره و ساحت است. انسان می‌تواند مانند بهشت چنین گستره‌ای بیابد! مانند گستره وجودی شریف مرتضی از نگاه هنرمندانه و ژرف ابوالعلاء معری. انسان به روح زمان پیوند می‌خورد و دیگر عمر او با سال سنجیده نمی‌شود.

مگر ما عمر مسیح (ع) را ۳۳ سال می‌دانیم؟ او زنده است. زندگی او با استناد به هر دو روایت مسیحیان و مسلمانان، فراتر از زندگی بسیار محدود این جهانی او بوده است. مگر می‌توان عمر امام خمینی (ع) و آیت‌ا... خامنه‌ای (قدس سره) را با عدد سنجید؟ آن‌ها از زنجیره و پای بست زمان رها شده و به دهر، بلکه به سرمد پیوسته‌اند؛ عمری که از خاک برمی‌خیزد و به خدای پیوندد و جلوه و صبغه و عطر الهی می‌گیرد؛ انسان‌هایی که در فرصت عمر این جهانی از خود شخصیتی فراتر از زمان و مکان می‌سازند. برای ما دیدن حقیقت شخصیت و سعه وجودی چنین افرادی دشوار است. مگر می‌توان رسول اکرم (ص) یا امام علی (ع) را چنان‌که بایست شناخت؟!

به روایت شهریار: «متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را!» ما سر بر آستانه حیرت فرود می‌آوریم.

این افراد از جمله امام خامنه‌ای به حق الیقین رسیدند. از جنس آرمان شدند. آرمان در بند «زمان» و «زمین» اسیر نمی‌ماند. از بند تعلی آزاد می‌شود. مثل آذرباد به جهانی دیگر بال می‌گشاید؛ همان گستره تمام آسمان‌ها و زمین. مثل شهید که:

«وَلَا تَخْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»، «کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، «از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است، شادمان‌اند. و برای آن‌ها که در پی‌شان هستند و هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند، خوشدل‌اند که بیمی بر آن‌ها نیست و اندوهگین نمی‌شوند.» (آل عمران: ۱۷۰-۱۶۹)

آیات، سرشار از معانی ژرف و زیبایی، بلکه شیدایی است. ما در پرده پندار نگاه می‌کنیم. آیه با تعبیر «وَلَا تَخْسَبَنَّ» با نون ثقیله تأکید به ما بیدارباش و هشدار می‌دهد که شما از پرده پندار بیرون بیایید و با نگاهی دیگر به شهادت و شهیدان نگاه کنید. به نظرم خواجه حافظ از همین آیه الهام گرفته و اقتباس کرده است:

دیدن روی تو را دید جان بین‌باید / این کجا مرتبه چشم جهان بین من است

تقابل دیده و چشم و جان و جهان از همان میناگری‌های قرآنی حافظ است. ما با چشم ظاهر می‌بینیم که شهید خامنه‌ای دیگر در میان ما نیست و دیگر صدایش را نمی‌شنویم. اما دیده جان بین به ما می‌گوید افق هستی او فراتر از زمان و زمین گسترش یافته است.